

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

تیمورشاه تیموری

طنز

بود مردی در حماقت بی بدیل
ریشش همچون چتر دیبا مینمود
ریش او چگون ریش آقای سیاف
ریش سیاف نزد او چون یشمه بود
طفل شوخی بود اما هوشیار
چشم او بر ریش آن مقبل فتاد
پیشش آمد گفت بابا السلام
بعد احوال پرسى و جویای حال
شب که میخوابی تو، ریشت در کجاست
زیر لحاف و کمپل است یا روی آن
مرد گفت تا نازموم تا کنون
شب که وقت خواب و خوابیدن رسید
گاه ریش خود بردی در لحاف
تا شفق انقدر افق آمد پدید
داشت ریش بس عریض و بس طویل
در قماش پشم یکتا مینمود
از زناخ افتاده تا در زیر ناف
ریش او در گرد رویش هاله بود
مینمودی هر طرف گشت و گذار
شوخی طفلانه اش در دل فتاد
با ادب ایستاد و بنمود احترام
گفت دارم از حضورت یک سؤال
روی سینه میشود یا در هواست
خارج از بستر بود یا توی آن
که درون رخت خواب است یا برون
بهر او وسواس و سودا شد پدید
گاه بیرونش نمودی از لفاف
آن حریف با ریش هر سو می تپید

این شبش بگذشت و شبهای دگر
خواب خوش از دیده اش بگریخته
روز دیگر دید بار دیگرش
گفت هر دو جنس شیطان بوده اید
ای سگان مشرکان بی حیا
من نمیدانم کنون کاین ریش را
گگر بروی لحاف بستر گسترم
گگر درون لحاف روی سینه ام
مرد شبها را همیکردی سحر
ریش او با راحتش آویخته
آن پسر را با رفیق و یاورش
بهر من آزار و جسدان بوده اید
ریش من ریش است نی پشم و گیا
تا چه سازم مایه تشویش را
میشود آزرده جسم و پیکرم
گسترم آزده گگردد سینه ام

از خدا خواهم شما را بی پدر
چون گدایان بی پناه و دربدر

پشمه: پوست دباغی ناشده

(المان - ۲۳ جولای ۲۰۱۱)